ادعای کذب ناصر قفاری در انتساب تحریف قرآن به شیعه؛ ابن شنبوذ

اما راجع به تحریف کتاب؛ در همین کتاب به این همه می‌گوید اولین کسی که قائل به تحریف شد و آیات را به هم ریخت و کتاب خدا را به هم ریخت شیعیان بودند. شاهد می‌آورد و سراغ تفسیر قرطبی می‌رود و می‌گوید قرطبی نقل می‌کند که در قرن چهارم در بغداد کسی پیدا شده بود که در امامت نماز جماعت به این صورت می‌خواند «لقد نصرکم الله ببدر بسیف علی». بعد می‌گوید: آیا ممکن است غیر شیعه چنین نمازی بخواند؟! این شیعیان هستند که در نمازشان به این صورت قرآن می‌خوانند. من قبلاً اینها را عرض کردم. این آقای دکتور غانم قدوری اینها را مقاله کرده است؛ ابن الانباری کتابی دارد به نام الردّ علی مَن خالف مصحف عثمان. قرطبی از او نقل می‌کند، خطیب بغدادی می‌گوید، خود این قفاری از خطیب هم نقل می‌کند اما این را نقل نمی کند چون این درست خلاف مقصودش است. خطیب بغدادی می‌گوید اصلاً ابن الانباری این کتاب الردّ علی من خالف مصحف عثمان را در ردّ ابن شنبوذ نوشته است. ابن شنبوذ بود که به این صورت نماز می‌خواند. از قُرائی بود که قرائت به شواذ را در نماز جایز می‌دانست. آمدند و او را زدند. این واضح مسلم است. شاید هم گفته باشند و به قفاری ایراد گرفته باشند. می‌گویند تو چیزی که جزء مسلمات خودتان است که قرائت و این تفسیر قرطبی و این کتاب رد، مربوط به ابن شنبوذ است که یک در میلیون احتمال تشیعش نیست. یک نفر بیاوری که یک احتمال ضعیف داده باشد که ابن شنبوذ شیعه باشد. این نیست. اصلاً نزد خودشان واضح است. ذهبی چه دفاع هایی از او می‌کند. همین حرف را می‌آورد و می‌گوید غیر شیعه که نمی‌تواند باشد. پس اولین کسی که در نماز به این صورت می خوانده و کتاب خدا را تحریف می‌کرده شیعیان بوده‌اند.

شاگرد: قرائت «بسیف علی» شاذ است؟

استاد: نه، ابن شنبوذ مصاحف صحابه به این معنایی که ما می‌گوییم نداشته. ابن شنبوذ قاری و مقری بوده، نه راوی روایات. اینها خیلی تفاوت دارد. لذا به ابن مجاهد گفت تو از بغداد پایت را بیرون نگذاشتی، من چقدر به شهرها رفتم و استاد دیدم! روایت نمی کرد، می‌گفت مقری به من اقراء کرده است. خیلی عجیب است. لذا مکی بن ابی‌طالب در الإبانه نکته خیلی مهمی را می‌گوید. می‌گوید مقری هایی که اصرار داشتند قرائت غیر مصحف عثمان را اقراء کنند، ابن شنبوذ آخرینشان بود که تبعیدش کردند، چرا این قدر اصرار داشتند؟ می‌گوید به‌خاطر اینکه قائل نبودند که امت می‌توانند با اجماع خودشان کتاب خدا را نسخ کنند. یعنی بعض حروف سبعه ای که عثمان نیاورد، این طرفی ها می‌گویند «اجمعت الامة» و اجماع امت نسخ کتاب خدا است. قائل دارد. می‌گویند اینها برای اینکه با آنها مقابله کنند اصرار داشتند که اینها بمانند. چرا؟ چون می‌گویند اجماع امت نسخ نمی‌شود. کتاب خدا، کتاب خدا است و این قرائات سبعه احرف باقی است.

بازبینی #4
ایجاد شده 1 ژانویه 2026 12:57:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مارس 2026 15:52:37 توسط ... .